

آتش و چهارشنبه سوری

برای پادشاهی شاهنشاه بالاترین قدرت بالاترین پیروزی و بالا -
ترین فرمانروایی خواستارم . آرزومندم که حکمرانی و شهریاری او تا
دیر زمان بماند و از طول عمر و نعمت تندرستی بر خوردار
باشد .

آفرینامه خشتربانہ دنگوپیشہ اوبہ رائی راہمائی اویہرائی ورترائی
اوبہ رائی خشترائی خشتریمچہ استیمچہ در غور خشتریم خشترہہ در
غوجیتیم اوشتانہہ دروہ ناتم تنویو .
متن اوستائی عبارت بالا نقل از آفرینگان

چهارشنبه سوری یکی از جشنهای آتش است که از روزگاران
قدیم بین آریائیها معمول بوده است و روز و سن آنان در هر منطقه
بنابر مقتضیات وقت اندکی متفاوت است . در هند نیزین هندوان همانند
چهارشنبه سوری جشن هولی است که در اعتدال بهاری انجام مییابد و
چون تقویم آنان قمری شمسی است موقع آن با چهارشنبه سوری چند
روز فرق میکند . امسال این جشن در شب دوشنبه انجام یافت .

چهارشنبه سوری از جشنهای ملی ایرانیست بدین و مذهب ارتباط ندارد. زرتشتیان آتش افروزی چهارشنبه سوری ندارند لیکن در آخرین شب سال که صبح آن اورمزد روز و فروردینماه است یکساعت پیش از طلوع خورشید بر پشت بامهای خود آتش میافروزند و بوی خوش بر آن مینهند و بروان شادی درگذشتگان به بندگی خداوند یکتا می پردازند.

کرد های ایرانی که شافعی مذهب اند چهارشنبه سوری را حفظ نموده اند بجز دو تیره آنها ساکن حوالی آذربایجان و ماکو که بواسطه غرب زدگی مفتی شان در ۴۰ و ۳۵ سال پیش در حفظ این سنت باستانی خویش خودداری نموده اند لیکن کردهای مهاباد و بخش های دیگر آخوند های خود را ساکت می سازند که این جشن ملی ایرانی است و ربطی به آتش پرستان ندارد و مربوط به کاوه آهنگر است.

آتش که آنرا آذر و آتر نیز گویند بین آریانه های قدیم بویژه آئین مزدیسنا مقام مهم و ارزش فراوانی دارد. آتش با جهان هستی پیوسته و در هر ذره و اتم موجود است.

هر چیز که گرمی از آن بیرون رفت جان ندارد و مرده است. انرژی کار و کوشش فعالیت غیرت و مانند آن همه از گرمی و حرارت است و حرارت نیز از آتش میآید. حتی عشق و آتش را با هم ذکر میکنند. آتش عشق کاندلر نی فتاد آنکه زیاد کار میکند و با فعال است میگوئید پر حرارت است و آنکه تنبل و بیکاره و بی غیرت میگوئید سرد و خمود است. گفتار مؤثر را گفتار آتشین میگوئید.

بطور کلی آراستگی زندگی انسانی وابسته به آتش است. در تاریکی شب با روشنائی آن بصورت چراغ کار میکنیم با حرارت آن خوراک می‌پزیم. با حرارت آن خود را در سرما گرم میکنیم. با حرارت آن در گرما سردخانه درست میکنیم. با حرارت آن ماشین را بحرکت درمی‌آوریم بر زمین طی مسافت مینمائیم. در آسمان پرواز میکنیم بر روی اقیانوس روان می‌شویم از آتش بشکل برق استفاده می‌بریم - آتش ناپاکیها را می‌سوزاند و پاک می‌کند.

بویهای خوش را که در اندرون بعضی چیزها تعبیه شده بیرون می‌آورد و در هوا پخش می‌کند دل و دماغ و جان و روان ما را خرم می‌سازد. آتش بازیها شادمانی می‌آورد. نگریستن به زبانهای درخشان آتش روح انسانی را باهتزاز درمی‌آورد.

آتش در میان همه مردم جهان گرمی است هر گروهی بطور ویژه آنرا می‌ستاید و در خدمت آن قیام مینماید. بعضی شمع روشن مینمایند و جمعی بوی خوش بر آتش مینهند. حتی خدای موسی در تورات سفر خروج بشکل آتش تجلی مینماید و قرآن خدا را در سوره نور بعنوان نور سماوات و ارض تعریف میکند. عیسی مردم را بروح القدس و آتش تعمید میدهد (متی باب ۳-۱۱) و خدا را نور محض میداند (رساله اول ژان باب اول)

در آئین مزدیسنا آذر با اهورامزدا بستگی دارد. چون خدا نور است پس انوار مادی و جهانی نمونه و مظهر نور حقیقی است و پرستش سوئی را سزاوار است. اینست که ایرانیان باستان نور و آتش را قبله

خود قرار داده و در برابر آن نیایش اهورامزدا بجا می‌آوردند و زرتشتیان هم از آن پیروی میکنند.

هرچاکه روشنائی است شادی آور است و هر جا که تاریکی است وحشت آور. قبله ای که از نور باشد درخشان است و آنکه غیر از نور تاریک. ما باید افتخار کنیم و سرافراز باشیم که نیاکان با هوش ما در روزگاران کهن باین اصل مهم مینوی پی برده و آتشکده ها را پرستشگاه خویش قرار داده اند. هر کس ایرانیان کهن را آتش پرست بنامد یا از نادانی است و یا از تعصب و حسادت. خدا مکان و منزل ندارد و همه جا حاضر است و جهت مخصوصی برای او از کوتاه نظریست. در قرآن شریف آمده فاینما تولو افشم وجه الله بهر طرف که بگردید روی خداست.

مادام بلاواتسکی بنیان گزار سازمان تتوسوفی در سیکریت داکترین مورد آتش گوید:

پرستش اولیه بشر در برابر خورشید و آتش فلسفه بسیار ژرفی دارد. دانشمندان علوم طبیعی و فیزیک از ترکیبات کلیه مواد جهانی آگاه میباشند مگر آتش را که هنوز نتوانسته اند بتجزیه و تحلیل آن توفیق یابند و از ماهیت آن خبر بدست آورند. اگر از آنها پرسیم آتش چیست موقرانه جواب میدهند عکس العمل احتراق است و عبارت از نور و گرمی و حرکت می‌باشد و رویهمرفته بهم پیوستگی نیرو های فیزیکی و شیمی است. الهیون نیز در متمم این گونه توصیف علمی بطور فلسفی تعریف می‌کنند که آن ابزار سزا و تنبیه است سزای مردمان گناهکار در عالم دیگر با جهان روان. در اینصورت مادیت آتش بحال

خود باقی است و با حالت روانی بی نسبت لذا تعریف آنها نیز ناقص می باشد .

اما دانشمندان اسرار در تعریف آتش چه میگویند ؟ بنظر آنها آتش انعکاس کامل و بی غل و غشی است از يك فروغ تابنده در آسمان و بر زمین و آن هستی و نیستی است با بعبارت دیگر زندگی و مرگ است. آن آغاز و پایان کلیه آفرینش گیتی است . آن گوهر ایزدیست. بنابراین پارسیان که آنها را از روی نادانی آتش پرست میخوانند و حتی بومیان وحشی و آواره امریکا که خود را فرزندان آتش میدانند نسبت بدان دانشمندان علوم طبیعی و مباحثات فیزیکی آنها نظریه علمی بهتری را در دین خود و حقیقتی را در افکار خود نشان میدهند . نصارا میگویند خدا آتش زنده است و یا آنکه زبانه های آتش می باشد. موسی خدا را بشکل بوته های آتش سوزان دید . پس آنها را هم باید آتش پرست خطاب کرد ، گروه مرموز را سیکووشین از همه بهتر و درسه تر آتش را تعریف کرده اند.

می گویند يك چراغ كوچك فتيله ای بدست آور ولی نگذار روغنش تمام شود . آنگاه میتوانی از شعله سوزان این چراغ كوچك هر قدر چراغ و شمع و آتش بخواهی در جهان روشن کنی بدون اینکه از شعله آن بکاهد . این تعریف ذات خداوندی است که تا ابد بوده و هست و گوهریست تغییرناپذیر .

انسان به يك پرستشگاهی نیازمند است که بخود او منحصر باشد و بتواند در خلوت در کارگاه آفرینش خداوندی و شگفتی های آن بتفکر

پرداخته و برای تمرکز حواس نشان یا سمبولی در آنجا برقرار سازد . آریائیه‌های قدیم از دوره پیشدادیان برای این منظور آتش مقدس را در پرستشگاه‌های خویش تقدیس می نمودند زیرا که آن مظهر و نمونه نور درخشان و فروغ بیکران جهان مینوی است . آتش عنصریست که همه چیز را در آغوش دارد . نیروی اتم حرارت زندگی جوش و خروش احساسات جلوه های دید و بینش نیروی مخرب و پرورنده اراده و تصمیم سیمای گوناگون آن است که در مراحل و حالات مختلف زندگانی انسانی به - ظهور میرسد . آتش نه تنها کثافات مادی را تصفیه مینماید بلکه روح را نیز در جهان زیرین لطیف ساخته و شایسته دیدار بدر آسمانی در جهان زیرین می سازد .

چون فروغ مؤثر و هاله مقناطیسی بخصوص که بدور محراب و مجمر پرستشگاه موجود است و باطراف پخش می شود با بجا آوردن پرستش و نیایش با نور و فروغ نادیدنی مینوی آن سرشار میشود و دل دینداران و مشتاقان با دخول بآنجا با برخورد با مواجش سبک و شاد و خرم می گردد .

آتش درخشان که طی سده ها یا سالیان دراز در مجمر آتش فروزان بوده و هزاران دینداران و درد متدان پارسیان دلدادگان و پرستندگان امواج اخلاص عشق و محبت دین و دل پاک خود را به آن نیاز می نمایند آنرا مملو از فروغ تابناک مهر درخشان می سازند پرتو آن بنسبت ایمان و اخلاص بردل ستاینندگان می تابد و انوار تسلی و امیدواری کانون دل آنها را روشن می گرداند .

پرستشگاه را میتوان بانك یزدان نامید که نیایش کنندگان پرستندگان دینداران ، دلدادگان ارمغان مهر وایمان ویژه خود را در آنجا بودیعه میسپارند وغمدیدگان ودرمندان که بآن نیازمندوبدوآنجا روی نیاز بخاك میمانند از آن ودیعه یزدانی بهره مند میگردند و دلداری و آرامش مییابند و ایزدان وخوبان که درجایهای پاک و پرستشگاه ها مقام دارند وبدویده نمیآیند از نیازهای بیریاکه در آن جایهای مقدس پیشکش میگردد شادمان می گردند وبه بندگی بندگان بیریا دعای خیر می نمایند وبرکت میدهند.

بهترین پیشکش و نیاز درپرستشگاهها ترك خویهای زشت خویش وپیمان بندگی و ایستادگی درراه مستقیم خداوندیست . آنگاه کالبد خاکی انسانی مجرای بخش انوار فیض یزدانی می گردد .

ستایش و نیایش وپرستش درپرستشگاه جنبه معنوی دیگر نیز دارد کالبد انسانی محل نزول پرتورحمانی است . لذا پرستشگاه ظاهری و بیرونی یادآور معبد معنوی اندرونی و باطنی است . چنانکه آتش یا چوبهای خوشبو فروزان نگاه داشته می شود آتش اندرونی کالبد نیز بدرخشانی نیازمند وبایستی باهدیه های خوشبوی اندیشه نیک وگفتار نیک و کردار نیک همواره فروزان نگاهداشت هنگام پرستش بندگی خود را با درخواستهای مادی نباید توأم ساخت و از خداوند یکتا انجام امری را توقع نمود . زیرا خداوند مهربان دانای بیهمتاست و آگاه بآنچه بهترین است برای ما .

بهترین روش پرستش و نیایش آنست که خویشتن را ابزارخواست

و فرمانروائی یزدان سازیم . اگر چنین کنیم امین ارمغانهای مادی و معنوی او می گردیم و در بکار بردن بخششهایش بدرستی یا نادرستی در پیشگاه خداوند خویش پس از هشتن کالبد خاکی مسئول خواهیم بود . نام نه جور آتش در روایات قدیم ضبط است . نخست آتش آذر - گشسب که مخصوص سپاهیان بوده دوم آتش آذر خرداد که بآتش خرد و پیشوایان نامور بوده، سوم آتش آذر برزین مهر که ویژه کشاورزان بوده چهارم آتش برزه سوانک و آن آتش درخشان است در بخش علیای کاینات پنجم آتش وهوفریان آتشی است موجود در بدن انسان و حیوانات ششم آتش اوروزست آتشی است موجود در جهان نباتات . هفتم آتش وزیست و آن آتش برق است هشتم آتش سپنشت که از سنگ چخماق بهم می رسد . نهم آتش ثریوسنگ و آن آتشی است در کالبد پادشاهان و روشن - دلان . مناره های مسجد که بمعنی آتشگاه است یادگار روزگاران گذشته است که حفظ گردیده دانشمند معاصر آقای علی سامی در شرح خرابه های فیروز آباد از مناره ای صحبت و متذکر میگردد که بامختصر بررسی درباره آن میتوان بخوبی دریافت که سنت احداث بنای مناره هم در ایران مربوط بادوار پیش از اسلام بوده است . ذکر این خبر نیز خالی از فایده نیست که سنت افروختن آتش باستانی بالای مناره تا چهل سال پیش در شوشتر معمول بوده و شبهای جمعه بالای مناره مسجد جامع آتش می - افروختند تا مردم روستاها بدانند روز بعد جمعه است و ادای نماز جمعه را فراموش نکنند . چون مجلس امروز مجلس جشن است بیش از این وقت حضار را با سخنان بیهوده خود تلف نمی کنم از برای شاهنشاه زندگانی دراز خواستارم تا نیکوکاران را خوشبخت سازد و بدکاران را سزا دهد .